



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَهَ خَيْرِ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: وَكَثَّرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ فَضْلًا كَبِيرًا

مبانی دینی و احکام نجومی اوقات استجابت دعاء (۶)

هنگام شناسی

ستاره حاجت یاب (کفّ الخشب)

بیان مبانی علمی و احکام فلکی آن از دانش نجوم کهن و اسلامی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علمی: داور المعارف الإلهیّة

تهیه و تدوین مبانی دینی تقویم: پژوهشگر علوم کلام حازنان وحی بنیاد حیات اعلی

تهیه مبانی نجومی و استخراج تقویم: پژوهشگر علوم نجوم و تخم بنیاد حیات اعلی



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إله خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبدأ بالآدميين

قال العلي الحكيم وصي النبي الكريم: من اقتبس علما من علوم النجوم من حملة القرآن إزداد به إيمانا ويقينا

افق مبناي مرسولات نجومی: ساعت جهانی KMT مکه مکرمه کعبه مشرفه

هفته نامه

راه آسمان

آموزش و تبیین مباحث تقویم و نجوم و تحجیم اسلامی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علمی: داور المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگر علوم نجوم و تقویم و تحجیم بنیاد حیات اعلی

هفته نامه راه آسمان شماره: ۳۷۴

۸ جمادی الآخری ۱۴۳۵ = ۲۰ فروردین ۱۳۹۳ = ۹ آوریل ۲۰۱۴

هنگام شناسی ستاره حاجت یاب (کف الخضیب)

❖ شرایط فلکی متعددی در اختیارات استجابت دعا وارد شده؛ اما علما و فقهاء و نیز حکمای منجمین فرموده اند: **شرط اعظم** در باب **استجابت دعا** ملاحظه وضعیت ستاره **کف الخضیب** و اوقات مناست آنست. در منابع حدیث شریف و کتب فقه و آداب و نیز تنجیم؛ آنچنان موضوع استجابت دعاها و برآوردن شدن حاجات با ستاره کف الخضیب (در صور فلکی ذات الکرسی) گره خورده است که نام ستاره "**حاجت یاب**" در صورت فلکی "**دعاء**" برای آن بسیار شایسته؛ و از تعبیر و توصیفات دیگر گویاتر است.

❖ به صورت کلی ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) دارای دو نوع ملاحظه وضعیت در هنگام شناسی دعای مستجاب می باشد:

۱- **اختیارات خاصه:** یعنی آن قواعدی که در خصوص ستاره کف الخضیب و موضوع استجابت دعاء ملاحظه می شود، که منحصر- به سه قاعده (رسیدن کف الخضیب در وسط السماء، مقارنه کواکب با کف الخضیب، اقتران رأس با کف الخضیب) می باشد.

الف- کف الخضیب در وسط السماء: این هنگام بر اساس وقت رسیدن ستاره حاجت یاب به وسط السماء؛ نسبت به افق هر بلد است، و در این حالت دلالت بر استجابت دعا دارد. وسط السماء همان وقت نصف النهار؛ سمت الرأس؛ یا عبور نصف النهاری یا گذر بالایی؛ یا وتد السماء؛ یا زوال علوی می باشد. این لحظه در هر شبانه روز یک بار اتفاق می افتد (و هر ۴ روز دو بار) و برای هر بلد ساعتش جداگانه استخراج می شود، و به خاطر وابستگی آن به افق هر محل؛ و

طول و عرض جغرافیایی آن محل؛ زمان وقوعش در بلاد مختلف است. فلذا نمی توان تقویمی یکسان برای همه بلاد ارائه داد؛ ولذا مانند تقویم اوقات شرعی؛ برای هر شهری باید تقویمی مستقل استخراج شود. شرح این موضوع در همین رساله خواهد آمد.

ب- مقارنه کواکب با کف الخضیب: در حالت اقتران کواکب شمس، قمر، مشتری، عطارد، مریخ، با ستاره کف الخضیب؛ دلالت بر اجابت دعا وجود دارد. در اقتران زحل، زهره یا مریخ با کف الخضیب محذوریتهایی وجود دارد که در ادامه شرح داده خواهد شد.

❦ محدوده اقتران کواکب با ثوابت (از جمله کف الخضیب) به اندازه یک درجه بر دایرة البروج می باشد. اما مقدار زمان اقتران کواکب با ستاره حاجت یاب؛ به نسبت سرعت سیرشان در دایرة البروج، متفاوت است: قمر در هر ۲۷ روز و ۸ ساعت سیر متوسطش در بروج؛ حدود یک ساعت و ۴۵ دقیقه با آن مقترن است، ولی برای سایر کواکب این اقتران یک یا چند سال یک بار اتفاق می افتد؛ و مدت این اقترانها هم کوتاه است.

ج- اقتران نقطه فلکی رأس با کف الخضیب: اقتران نقطه فلکی رأس با ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) نیز بر استجابت دعوات دلالت دارد.

❦ لحظه وقوع اقتران کواکب و نیز مقارنه رأس با نجوم ثوابت؛ برای همه ساکنان کره زمین یکسان است، و اختلاف بلاد در آن؛ مانند سایر اتصالات بین کواکب است، برای اوقات اقتران کواکب و نیز مقارنه رأس با کف الخضیب تقویم واحد جهانی ارائه می شود، و اوقات اقتران به ساعت مبنا

(ساعت مکه مکرمه) می باشد، و سایر کشورها با توجه به جدول اختلاف ساعات بلاد با مکه مکرمه؛ ساعت اقتران را بر حسب ساعت کشور خودشان استفاده می کنند. جدول اختلاف ساعات بلاد با مکه مکرمه در خود تقویم و نیز همین رساله شریفه ارائه شده است. برای دریافت شرح تفصیلی موضوع اختلاف افق و اختلاف ساعت بین بلاد به درسهای راه آسمان زیر در جایگاه اینترنتی نجوم و تنجیم بنیاد حیات اعلی مراجعه نمایید:

راه آسمان ۴۷ = افق جهانی KMT مبنای اوقات فلکی تقاویم نجومی بنیاد حیات اعلی

راه آسمان ۵۰ = مبانی علمی تفاوت ساعت نجومی بلاد جهان

راه آسمان ۵۲ = جداول تفاوت ساعت نجومی بلاد جهان با مکه مکرمه

۲- **اختیارات عامه:** یعنی آن قواعد تنجیم؛ که در اختیارات همه امور؛ از اوقات مربوط به همه نجوم ثوابت^۱ ملاحظه می شود، و بر اساس آنها؛ در موضوع استجابات دعاء؛ و اختیار وقت مناسب آن؛ از وضعیت ستاره کف الخضیب (که از جمله ثوابت است) نیز عمل می شود:

الف- اختیارات بر حسب طبع و مزاج ستاره کف الخضیب: نجوم ثوابت هر کدام بر مزاج يك یا دو کوکب از کواکب سبعة هستند، ستاره کف الخضیب بر

(۱) در علم تنجیم؛ ثوابت (ستارگان) احکام ویژه ای دارند. منظور از نجوم ثوابت؛ ستارگان صور فلکی آسمان هستند؛ که چون جایگاهشان نسبت به یکدیگر ثابت است؛ و یا حرکتشان بسیار کند و نامحسوس است؛ آنها را نجوم ثوابت می نامند، در مقابل، کواکب سبعة (شمس و قمر و...) را که جایشان در دایرة البروج و فواصل بینشان (در محسوس راصد زمینی) تغییر می کند کواکب سیاره می نامند. کف الخضیب نیز از نجوم ثوابت است.

مزاج و طبع زحل (و به نقلي زهره و مریخ) و سیاره سعد اصغر (زهره) می باشد، و از مواضع دلالتش قرار گرفتن در اوتاد اختیار می باشد، و در موضع وتد السماء اختیار موضوعات مربوط به طبعش نیز قوت می یابد. منجمین از طبع و مزاج کواکب ثابته در جهت اختیارات برای امور مناسب آنها بهره می گیرند، از جمله قرار دادن آنها در اوتاد است، بدین قاعده که: در اختیار موضوعات چون کوکب غرض مسعود و قوی حال نباشد؛ و انتخاب وقت و یا شرایطی برای اصلاح حال آن ممکن نباشد؛ پس درجه یکی از کواکب ثابته (که بر مزاج آن کوکب و بر مزاج سعدی می باشد) را بر درجه طالع (درجه طلوع) یا درجه ممر (وسط السماء) و یا درجه غروب (درجه غارب) یا آنجا که می خواهند می نهند؛ تا آن غرض و حاجت زودتر به اتمام رسد، و اوتاد طالع و عاشر قویتر هستند، و چون در این مواضع؛ یا در درجه اجتماع شمس و قمر؛ یا در درجه سهم السعادة طالع مولودی یا طالع امری بیافتد؛ از طبع آن کوکب سیاره ای که آن ستاره بر طبع اوست؛ عطاها می شگرف و سعادت‌های عظیم نتیجه دهند.

یعنی برای اصلاح ضعف وقت در کوکب غرض؛^۲ وقتی را اختیار می کنند که آن ستاره دقیقاً بر درجه طالع یا وسط السماء یا غارب یا آنجا که بخواهند بیافتد.

ب- اختیارات مقارنه قمر با کف الخضیب: از اصول عامه اختیارات، مراعات اتصال قمر به کوکب غرض است (کوکبی که دلالت بر حاجت مطلوب دارد)

(۲) کوکب غرض کوکبی است که بر حاجت مورد نظر دلالت دارد مثلاً در امور فرمانروایان و رؤسا شمس، در امور عاطفی و هنر و زنان زهره، در امور نظامی و لشکری مریخ و... علاوه بر اصلاح ضعف مربوط به کوکب غرض افتادن ستاره بر این مواضع و درجات یاد شده نیز صاحب دلالت است.

که با اتصال قمر به آن، احوال قمر مساعد آن غرض می شود، همچنین در شرایط طالع اختیار، قمر باید متصل باشد به صاحب طالع و نظر به آن داشته باشد، مقرر است که هر گاه قمر با کوکب غرض و مورد حاجت از سیارات یا صاحب طالع متصل نباشد باید که آن را مقترن گردانند به ستاره ای از ثوابت که بر مزاج آن کوکب غرض باشد تا مقصود حاصل گردد. از این رو اقتران قمر با کف الخضیب مانند اتصال به کواکب مطابق طبع و مزاج کف الخضیب است.



محذورات اقتران کواکب با کف الخضیب در وقت دعاء حاجتخواهي

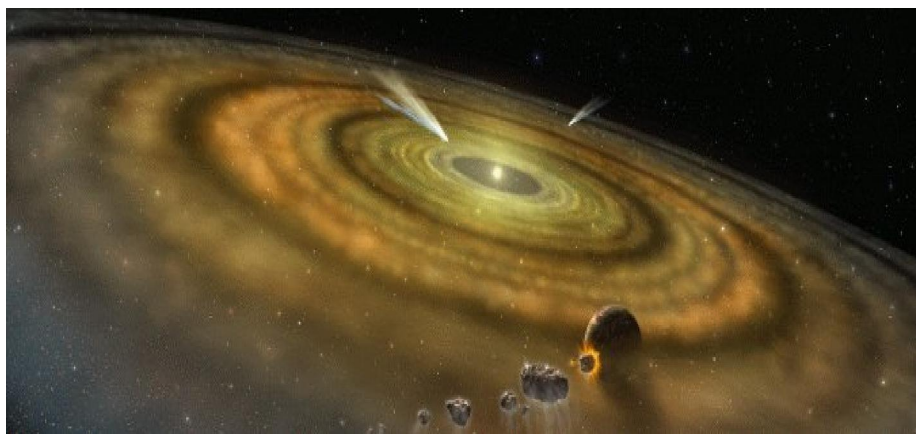
محذورات اقتران کواکب با ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) در فصل (محذورات و شرائط سلبی و پرهیزها و نایسته هاي نجومی دعاء) ذکر شد، در اینجا آن موارد را یادآوری می نمایم.

۱- اقتران شمس با زحل بر کف الخضیب: اقتران شمس با زحل بر کف الخضیب؛ نیز محذور است و خلل در استجابت دعاء می آورد.

رخداد: مقارنه شمس و زحل بر کف الخضیب؛ در هزار سال جاری ۳ بار رخ می دهد، هر بار به مدت يك روز بوده و این نوبتها به فاصله ۴۴۲ سال و ۲۶۵ سال از یکدیگر است.

۲- اقتران شمس با مریخ بر کف الخضیب: اقتران شمس با مریخ بر کف الخضیب؛ نیز محذور است و خلل در استجابت دعاء می آورد.

رخداد: مقارنه شمس و مریخ بر کف الخضیب در هزار سال جاری ۲ بار است هر بار به مدت يك روز به فاصله ۳۶۳ سال از یکدیگر.



اوقات محذور در برخی حوائج

۱- **اقتران زحل بد حال با کف الخضیب:** برای اقتران زحل با کف الخضیب دو نوع دلالت می باشد و بستگی به شرایط سعادت یا نحوست زحل در هنگام اقتران با کف الخضیب دارد؛ اگر زحل منحوس باشد (مانند تراجع، احتراق، اتصال دشمنی به مریخ، تغریب و از ضعفهای عرضی مانند ترح، بیوت زایل ووو) و با کف الخضیب مقارن شود نتیجه دعا برعکس شود، مثلاً: اگر دعا برای وسعت رزق و ثروت باشد؛ دعا کننده فقیر و بینوا گردد، چه بعضی از این اوقات نامناسب (مثل همین وقت) است که معکوس می گردد ادعیه آن بر داعی؛ و خلاف آنچه تمنای اوست حاصل می شود؛ و اگر زحل مسعود باشد (مانند اتصال مسعود به مشتری یا زهره، مستقیم السیر، تشریق، فرح ووو) و به کف الخضیب پیوندد (مقارن شود) امید اجابت دعا باشد و در نیمه آخر عمر قرین اجابت گردد و سعادت یابد.

🔴 **محل کف الخضیب (۵ درجه برج نجمی حمل) برج هبوط زحل و یکی از مواضع ضعف او در بروج نجمی است؛** فلذا زحل در درجه کف الخضیب یکی از شرایط نحوست و از ضعفهای عظیم الأثر را داشته و این ایام محذور تلقی می شود و اگر از نحوستهایی دیگر نیز در این وقت بر زحل عارض شود ضعف آن شدیدتر می شود. لازم به ذکر است این درجه چند سعادت میانه اثر و ضعیف الأثر برای زحل را نیز داراست، این درجه در حد زحل و برج مذکر (حمل) و إثنی عشریه زهره نیز واقع است و زحل شریک خداوند مثلثه برج آتشی حمل می باشد، بودن زحل در حد خود و برج مذکر از قوتهای میانه اثر زحل است و

بودنش در اثنی عشریه زهره نیز از سعادت‌های ضعیف الاثر می باشد؛ این موارد از ضعف زحل (هبوط) می کاهد و اگر با برخی شرایط خاص که از سعادت‌ها هستند همراه شود برای برخی حوایج مناسب است؛ از شرایط استجابات و برای برخی حوایج مربوط به وقت اقتران زحل با کف الخضیب آمده است: برای دعای زوال خوف و رنج شایسته است که زحل مقارن کف الخضیب باشد اما به شرطی که شمس در درجه شرف (درجه ۱۹ حمل) باشد، یا اگر زحل و مشتری با کف الخضیب قران کنند وقتی که رأس در جدی باشد برای دعاء بسیار پسندیده است.

🔴 از آنجا که در شرایط استجابات دعا مربوط به اقتران زحل با کف الخضیب چنین آمده است که اگر زحل مسعود باشد و به کف الخضیب پیوندد دعا در نیمه آخر عمر اجابت می شود و اقتران با مشتری نیز از سعادت‌های عظیم الاثر هر کوكب است فلذا استجابات مربوط به این وضعیت نیز در نیمه آخر عمر می باشد. اما در غیر این شرایط، بودن زحل در درجه کف الخضیب؛ جزو محذورات مهم هر خواستن و دعایی است؛ بنابراین دعاکننده باید در هر دعایی از شرایط زحل در درجه ۵ برج نجمی حمل (درجه کف الخضیب) مطمئن گردد.

رخداد: زحل هر ۳۰ سال؛ به مدت ۷ روز تا ۲ ماه و با سیر متوسط ۱۴ روز؛ بر درجه کف الخضیب مقترن می شود؛ که این ایام به لحاظ هبوط زحل محذور بوده به جز يك بار (تا ۵ قرن آینده) که مصادف با هنگام شرف شمس (شمس در درجه ۱۹ حمل) اتفاق می افتد.

🔴 در مدت اقتران زحل با کف الخضیب؛ اگر سایر احوال منحوس زحل نیز واقع شود؛ بر محذوریت افزوده می شود، مانند: تراجع، احتراق، تغریب، اتصال

عداوت به مریخ، و زحل در بیت ۶ (ترح زحل).

رخداد: از احوال منحوس زحل: تراجع، احتراق، تغریب، اتصال عداوت به مریخ، و در بیت ۶ (ترح زحل) می باشد، که به مدت چند ساعت تا کل ایامی که زحل بر درجه کف الخضیب است رخ می دهد، و مدتش در هر دوره متفاوت است. و تفاوت مدت برخی از این شرایط؛ مانند تغریب؛ (زحل قبل غروب شمس غروب کند) وابسته به افق هر محل نیز می باشد.

رخداد: وضعیت زحل در بیت ۶ (ترح زحل)؛ که از احوال منحوس زحل است؛ هر روزی حدود ۲ ساعت اتفاق می افتد.

۲- اقتران مریخ با کف الخضیب: اگر مریخ مقارن گردد (ودعا شود و موضوع دعاء نفرین و بر علیه دشمنان باشد) دلالت کند بر آنکه داعی در این وقت بر مدعوّ علیه (دعا کننده در وقت دعایش بر آنکه دعا علیه او می کند) ظالم است؛ و از اجابت دعا محروم گردد. (چه اینکه طبیعت افراط و حرارت در کوکب مریخ؛ زمینه ساز افراط در نتیجه نفرین؛ و سبب ظلم می شود). فلذا این محذوریت تنها برای دعای با محتوای نفرین وجود داشته؛ اما برای دعاهاى دیگر منعی نداشته؛ بلکه در برخی حوائج سبب موفقیت ویژه می گردد، مانند رسیدن به مراتب ریاست و فرماندهی و نیز امور نظامی و جنگی که در این وقت دعای برای آنها خوب و مستجاب است، ان شاء الله.

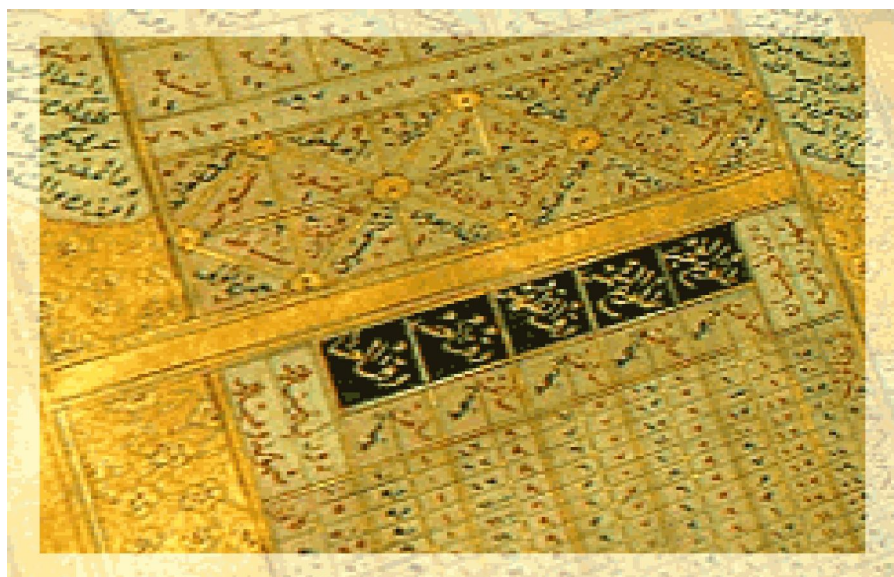
رخداد: اقتران مریخ با کف الخضیب در هر ۲ سال يك بار، حدود ۲ روز اتفاق می افتد.

۳- اقتران زهره با کف الخضیب: اگر زهره به کف الخضیب پیوندد در مال

خواستن دعا مستجاب شود؛ اما چندانکه مال زیاده شود از عمر نقصان کند. و چه بسا سایر حظوظ دنیوی نیز اگر موضوع دعا باشد؛ هر چند مستجاب شود؛ اما از مدت حظ و بهره شخص کاسته می گردد. فلذا دعاء برای امور دنیوی در این وقت موفق؛ اما با کاستی مدت بهره مندی همراه است. اما سایر دعاها منعی نداشته؛ و محذوری در این وقت ندارد.

رخداد: اقتران زهره با ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) در هر دوره سیر زهره در دایرة البروج (حدود یکسال)؛ يك بار اتفاق می افتد؛ به مدت يك روز.

توضیح: دو وضعیت فلکی اخیر الذکر (مقارنه مریخ با کف الخضیب و مقارنه زهره با کف الخضیب) اگرچه ذاتا از اوقات استجاب دعا بوده و برای حوائج هم موفق بوده و مناسب شمرده می شود؛ اما به لحاظ تبعات و پی آمدهای منفی بعد از استجاب دعا آن در برخی از حوائج؛ آنها را جزو اوقات محذور برای بری حوائج نیز ذکر نموده ایم.



اقترانهای مسعود کواکب با ستاره حاجت یاب

۱- اقتران قمر با کف الخضیب: هرگاه قمر مقارن کف الخضیب باشد هر آینه وقت اجابت دعاست و هر دعائی که در صلاح تن کند مستجاب شود. أبو العلاء معری در کتاب "الفصول والغایات" گفته است: يقول من يتأله من المنجمين: إن الله تعالى يقبل الدعاء والقمر في الكف الخضیب وهي کف الثریا في إحدى عشرة درجة من الحمل وهو الطی. (ترجمه) شخصی که متأله از منجمین است (منجم الهی) می گوید: خداوند تعالی دعاء را قبول می کند؛ زمانی که قمر در کف الخضیب (و آن همان کف ثریا) است، که در ۱۱ درجه از حمل (فلکی) و آن (صورت به شکل) بره است. (از درجه فلکی وضعیت مزبور استفاده می شود که آن منجم الهی در ۱۸۰۰ سال قبل می زیسته است).

رخداد: در هر ۲۷ روز و ۸ ساعت سیر متوسط قمر در دایرة البروج، قمر حدود یک ساعت و ۴۵ دقیقه بر درجه کف الخضیب مقارن آن می شود.

۲- اقتران عطارد با کف الخضیب: هرگاه عطارد مقارن کف الخضیب باشد هر آینه وقت اجابت دعاست و دعا برای نیل و موفقیت در علوم مستجاب شود.

رخداد: در هر یک سال یکبار، حدود ۱۴ ساعت و در حالت سریع السیر حدود ۱۲ ساعت.

۳- اقتران شمس با کف الخضیب: و اگر آفتاب بدو پیوندد (اقتران کند) دعاء جهت غنا و توانگری و شجاعت مستجاب گردد. (و در وسط عمرش برای او مستجاب شود).

☞ کف الخضیب هر وقت با خورشید در وقت استوا (وقت زوال ظهر) در یک

برج و دريك درجه جمع شود آن موقع هر دعائي كه بكنند به امر خداوند متعال مقبول واقع مي شود يعني مستجاب مي گردد.

توضيح: در يك شبانه روزي كه شمس با كف الخضيب اقتران دارد؛ و دريك درجه از دايره البروج جمع است؛ در اين مدت يك بار كف الخضيب به وسط السماء مي رسد؛ و شمس نيز همراه آنست، واقع شدن خورشيد بر گذر نصف النهاري يا وسط السماء؛ همان وقت زوال يا اذان ظهر يا استواء شمس است، كه در اين لحظه هم شمس و هم كف الخضيب بر وسط السماء هستند، و چندين قوت براي اجابت دعاء توأمان فراهم است، كف الخضيب وسط السماء، وقت اذان، قوت شمس در وتد (در وتد عاشر)، مقارنه شمس با كف الخضيب، اين لحظه به صورت عمومي وقت استجاب است و خاصه براي غنا و ثروت و شجاعت.

رخداد: در هر سال شمسی يك بار، به مدت يك شبانه روز.

۴- **اقتران مشتري با كف الخضيب:** چون مشتری به كف الخضيب پيوند (اقتران نمايد) بهترين وقتي از براي دعاست و نصرت خواهد بر ظالمی نصرت خواهد يافت و دعاي مظلوم در استغاثه از ستم و ظلم ظالم مستجاب مي شود.

❦ اگر در هنگام مقارنه مشتري با كف الخضيب، رأس نيز مقارن مشتري باشد و قمر نيز مقارن يا متصل به مشتري باشد؛ بهترين وقت براي دعاست.

توضيح: در اين وقت چندين دلالت استجاب دعا جمع مي باشد مقارنه مشتري با رأس و مقارنه با كف الخضيب از اوقات اجابت دعاست خاصه در لحظه كف الخضيب وسط السماء كه رأس و مشتري و كف الخضيب هر سه مقارن و در وسط السماء بوده؛ و دلالت بر سرعت استجاب و سعادت وقت دارند و قمر

هم متصل به مشطري و مسعود است.

رخداد: اقتران مشطري با كف الخضيب؛ تقريبا هر ۱۲ سال يك بار، به مدت ۱۲ روز اتفاق مي افتد.

۵- اقتران رأس با كف الخضيب: اگر رأس با كف الخضيب مقارن شود هم وقت اجابت دعاست.

رخداد: اين اقتران ۱۹ سال يك بار، به مدت ۱۹ روز اتفاق مي افتد.

۶- اقتران شمس و قمر با كف الخضيب: اگر وقت اجتماع نيرين (شمس و قمر) باشد بدین درجه كف الخضيب، عظيم وقتی بُود استجابت دعا را. (يعني شمس و قمر در میانه مقارنه شان بر كف الخضيب واقع شوند)

رخداد: حدود هر ۲۰ سال يك بار، هر بار کمتر از يك ساعت و ۴۵ دقیقه.

۷- اقتران عطارد با شمس در درجه كف الخضيب: علی الخصوص عطارد با آفتاب به هم بدین درجه بُود هم وقت دعا کردن باشد.

رخداد: تا يك قرن آینده ۳ بار رخ مي دهد به فاصله ۳۰ و ۶۰ سال، هر بار حدود ۴ تا ۱۰ ساعت.

۸- اقتران مشطري با شمس در درجه كف الخضيب: اقتران مشطري با آفتاب به هم بدین درجه بود هم وقت دعا کردن باشد.

رخداد: در ۵ قرن آینده دو بار رخ مي دهد، هر بار حدود ۲۰ ساعت.

۹- اقتران عطارد با مشطري در درجه كف الخضيب: و قران عطارد و مشطري همین حکم دارد (وقت اجابت است).

رخداد: در ۵ قرن آینده يك بار اتفاق مي افتد، حدود ۱۲ ساعت.

۱۰- اقتران عطارد با رأس در درجه کف الخضیب: اگر عطارد با رأس در این موضع مقارن گردد وقتی مرجو باشد اجابت را.
رخداد: تا هزار سال آینده اتفاق نمی افتد.

۱۱- اقتران زحل و مشتری در درجه کف الخضیب: اگر زحل و مشتری با کف الخضیب قران کنند وقتی که رأس در جدی باشد برای دعاء بسیار پسندیده است. از آنجا که در شرایط استجابت دعا مربوط به اقتران زحل با کف الخضیب چنین آمده است که اگر زحل مسعود باشد و به کف الخضیب پیوندد (مقارن شود) امید اجابت دعا باشد و در نیمه آخر عمر اجابت شود و سعادت یابد؛ و اقتران با مشتری نیز از سعادهای عظیم الأثر هر کوکب است فلذا استجابت مربوط به این وضعیت در نیمه آخر عمر می باشد.
رخداد: در ۵ قرن آینده اتفاق نمی افتد.



اوقات مسعود برای برخی حوائج

۱- اقتران زحل با کف الخضیب هنگام شرف شمس: برای دعای زوال خوف و رنج می‌شاید که زحل مقارن کف الخضیب باشد اما به شرطی که شمس در درجه شرف (درجه ۱۹ حمل) باشد.

اما در غیر این شرط، و یا نبودن شرط مقارنه زحل و مشتری بر کف الخضیب وقتی که رأس در جدی است؛ بودن زحل در درجه کف الخضیب؛ جزو محذورات مهم هر خواستن و دعایی است و نتیجه دعا برعکس شود، مثلاً: اگر دعا برای وسعت رزق و ثروت باشد؛ دعا کننده فقیر و بینوا گردد و شرح آن در قسمت محذورات آمد.

رخداد: در ۵ قرن آینده يك بار اتفاق می‌افتد، به مدت یک روز.

۲- اقتران مریخ با کف الخضیب: اگر مریخ با آن مقارن گردد؛ برای رسیدن به مراتب ریاست و فرماندهی و نیز امور نظامی و جنگی خوب بوده و در این وقت دعای برای آنها مستجاب است، ان شاء الله، و دعا بر علیه دشمنان محذور است که در قسمت محذورات توضیح شد.

رخداد: اقتران مریخ با کف الخضیب در هر ۲ سال يك بار، حدود ۲ روز اتفاق می‌افتد.

❗ اقتران عطارد با مریخ در درجه کف الخضیب: بعضی گفته اند هر وقت عطارد با مریخ مقارن کف الخضیب باشد آنوقت اجابت بُود. (به جز دعا بر علیه دشمنان که از محذورات قران مریخ با کف الخضیب است).

رخداد: تا يك قرن آینده ۱ بار رخ مي دهد به مدت ۳۲ ساعت.

۳- اقتران زهره با کف الخضيب: اگر زهره به کف الخضيب پيوند در مال خواستن دعا مستجاب شود؛ اما چندانکه مال زياده شود از عمر نقصان کند. و چه بسا ساير حظوظ دنيوی نيز اگر موضوع دعا باشد؛ هر چند مستجاب شود؛ اما از مدت حظ و بهره شخص کاسته می گردد. فلذا دعاء برای امور دنيوي در اين وقت موفق؛ اما با کاستي مدت بهره مندی همراه است. اما ساير دعاها منعی نداشته؛ و محذوريتی در اين وقت ندارد.

رخداد: اقتران زهره با ستاره حاجت ياب (کف الخضيب) در هر دوره سير زهره در دایرة البروج (حدود يكسال)؛ يك بار اتفاق مي افتد؛ به مدت يك روز.

لله اقتران زهره با شمس در درجه کف الخضيب: علی الخصوص زهره با آفتاب به هم بدین درجه بُود هم وقت دعا کردن باشد. (به جز دعا برای مال خواستن و حظوظ دنيوي که از محذورات قران زهره با کف الخضيب است)

رخداد: تا ۲ قرن آینده ۳ بار رخ مي دهد، هر بار حدود ۱۰ ساعت.

توضیح: دو وضعیت فلکی اخير الذکر (مقارنه مریخ با کف الخضيب و مقارنه زهره با کف الخضيب) اگرچه ذاتا از اوقات استجابت دعاء بوده و برای حوائجی هم موفق بوده و مناسب شمرده مي شود و آنها را در اوقات مسعود برای برخی حوائج آورده ایم؛ اما به لحاظ تبعات و پيآمدهاي منفي بعد از استجابت دعاء آن در برخی از حوائج؛ آنها را جزو اوقات محذور برای برخی حوائج نیز ذکر نموده ایم.



نکات مهم در مطالعه و تحقیق منابع نجومی

نکته اول: در برخی نسخ از نقلهای منجمین در باب اقتران کواکب با کف الخضیب (به خاطر غیر دقیق بودن ناسخان و یا برداشتهای اشتباه ناقلین) اغلاطی وجود دارد؛ که از میان منابع پیشین احکام اقتران کواکب با کف الخضیب؛ نقل یعقوب بن اسحاق کندی است که احکام کف الخضیب را از قدمای نجوم نقل کرده است؛ برخی نقلها از نسخ خطی رساله کندی، نقل ابوریحان از کندی در الآثار الباقیه، نقل ابوالفباخر بن ابوالعلا اصفهانی در اختیارات علائیه از کندی، علامه کاشفی در لوائح القمر به نقل از ابوریحان، علامه بجرانی در "الکشکول" می باشد؛ و برخی ناقلین و منجمین دیگر نیز گزیده هایی از احکام اقتران کواکب با کف الخضیب را آورده اند مانند علامه عاملی در نفایس الفنون به نقل از علامه بیهقی، حکیم مغربی در رساله کیفیت حکم بر مسائل نجومی و ملا مظفر در شرح بیست باب. در نسخه ها سقط و خلطهایی وجود دارد و احکام آنها در این رساله مطابق نسخه تصحیح شده مرکز نجوم کهن و اسلامی می باشد. متن تصحیح شده احکام مقارنه کواکب با کف الخضیب در ابتدای رساله (ص ۲۸) در نقل و بررسی کلام علامه بجرانی ذکر شد.

نکته دوم: از جمله اشکالات متون مانند نقلهای از کندی، علامه کاشفی، علامه بجرانی، ابوریحان، در نقل احکام اقتران عطارد با کف الخضیب می باشد که برخی چنین برداشت نموده اند که: قمر و عطارد مستقلاً حکمی در اقتران با کف الخضیب ندارند و دعا در صلاح تن را برای اقتران قمر با عطارد توأماً بر کف الخضیب آورده اند؛ یا برای هر دو یک حکم را آورده اند و حکم قمر را

مستقل نوشته اند، در حالی که هر يك مستقلًا احکامی دارند و کندی نیز برای اقتران هر کوکب با کف الخضیب احکام نقل نموده است و احکام آنها متناسب با نوع دلالات هر کوکب می باشد. مثلاً: عطارد دلالت بر علوم دارد و در دلالات ایام، ساعات کوکب، اتصالات کوکب به آن، رصد و و منسوب به امور علمی، تعلیم و منطق است.

🔴 **نکته سوم:** همچنین در نسخه ها، اشکال در متنهای احکام اقتران مریخ، مشتری یا شمس با کف الخضیب نیز وجود دارد که برخی حکمی را سقط داشته و برخی نیز مخلوط شده اند که ناشی از اشتباه ناسخین یا مغلوط بودن نسخه های مورد استفاده ناقلین است.

🔴 **نکته چهارم:** ابوریحان در کتاب آثار الباقیه در احکام اختیارات دعا، توضیحی را نقل نموده که برخی از منجمین و مؤلفان کتب دیگر به نقل از وی آن را آورده اند، ابوریحان ابتدا متن یعقوب ابن اسحاق کندی را در احکام اقتران کوکب با کف الخضیب نقل می نماید؛ و در احکام اقتران زحل با کف الخضیب در وقتی که زحل منحوس است می آورد که: دلالت بر معکوس شدن دعا دارد و ضد امید و خواهش تحقق می یابد، و اضافه بر متن یعقوب کندی توضیحی می آورد: "وذلك ان من الأدعية ما ينعكس على داعيه فيصير الى ضد ما يرتجيه، كما يحكي ان اهل طبرستان اجدبوا ايام الحسن بن زائد العلوي فخرجوا يستسقون فما فرغوا من دعائهم الا والحريق مضطرم في اطراف البلد حتى قال ابو الغمر:

خرجوا يسألون صوب غمام = فأجيبوا بصَيِّبٍ من حريق
جاءهم ضد ما تمنّوه اذ جاءت = قلوب محشوّه بفسوق"

از ترجمه هاي فارسي قدما: "چه بعضی از ادعیه آن است که منعکس می گردد بر داعی؛ و خلاف آنچه تمنای اوست حاصل شود؛ چنانکه اهل طبرستان در زمان حسین بن زاید العلوی؛ به بلای قحط و جذب (خشکسالی) مبتلا شدند؛ به استسقاء بیرون آمدند و هنوز از دعا فارغ نشده بودند که حریق در اطراف شهر پدید آمدند! و بیشتری بسوختند! و اگر اختیار وقت دعا کرده بودی؛ دعای ایشان منعکس نشدی. ابوالغمر دراین باره گفته است:

خرجوا یسألون صوب غمام = فأجیبوا بِصَیِّبٍ من حریق

جاءهم ضد ما تمنَّوه اذ جاءت = قلوب محشوةً بفسوق"

گروهی سوی کوهساران شدند = به فریاد، خواهان باران شدند

اجابت شدند به شعله آتش، ضد آنچه تمنا کرده بودند

بر ایشان آمد، چرا که آنها با قلبهایی پر از فسوق آمده بودند.

توضیح: در این قصه دلایل نجومی و ارتباطش با محذورات دعای مستجاب نقل نشده است، فلذا ارتباطش با اوقات دعا معلوم نبوده، و مناسب این موضوع و شاهدهی برای شرایط نجومی دعا نیست، و نیز اصل قصه و عبارت نقل آن نیز مشکوک است:

اولا: در بررسی تواریخ مفصله که در طول تاریخ اسلام وقایع کوچک و بزرگ بلاد اسلامی را در اکناف عالم هر ساله نوشته و ثبت و ضبط کرده اند، چنین واقعه را ثبت نکرده و ننوشته اند، با اینکه حریق و آتش سوزی عمومی مردم يك شهر؛ آن هم بعد از نماز باران؛ مورد اطلاع همگان و از جمله مورخان قرار گرفته و ارزش ثبت کردن را دارد.

ثانیا: راوی آن از اتباع حکومت بنی العباس است، و قصه هم درباره علویان

طبرستان که از خلافت عباسی جدا شده بودند، فلذا در نسبت و صحت و چگونگی آن باید تامل شود.

ثالثا: راوی در توصیفش تعبیراتی دارد که مشحون با طعن است، حسن بن زید را "حسن بن زاید" نام برده؛ با اینکه نام "زید" و شخصیتش معروف دوست و دشمن است، و دلیلی بجز اموی و عباسی مسلک بودن مؤلف برای این تحریف نمی باشد؛ چه اینکه اینها بر علیه حکومت عباسیان و امویان قیام کرده بودند.

رابعا: به قول و شعر شاعری (ابوالغمر) استشهاد کرده که شعر و توصیفش با کینه و دشمنی همراه است، و شیعیان طبرستان را اینطور توصیف می کند: (آنها با قلبهایی پر از فسوق آمده بودند).

خامسا: اگر عدم استجابت دعای باران؛ و معکوس شدن آن به حریق شهر در حین دعا، بخاطر فسوق قلوب باشد؛ دیگر این ربطی به وقت نامناسب دعا ندارد و جای استشهاد آن در مبحث نجومی نیست.

فلذا اصل و کیفیت و جزئیات این قصه معلوم نیست؛ و آنچه بر فضایی این نقل و کلام حاکم است؛ بیشتر حقد و کینه و اغراض سیاسی است تا نشانه فلکی و ادله نجومی، چه اینکه اگر شاهد و دلیل نجومی بود؛ باید تاریخ دقیق آن و وضعیت فلکی مربوطه و دلالاتهای نجومی حاکی از وقت نامناسب دعا و معکوس شدن آن نیز با آن همراه بود، فلذا این توضیح ابوریحان و نقل وی؛ فاقد اعتبار علمی است، و منجمین دیگر هم در نقلهایشان هیچ توصیف فلکی برای آن نیاورده اند، و برخی منجمین و ناقلان شیعی که این کلام را نقل کرده اند؛ بلحاظ شهرت و نامداری "بیرونی" و بدون توجه به اشکالات علمی در آن بوده است.

برج و منزل طالع هنگام ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) وسط السماء

❖ ساعت طلوع ستارگان بروج و منازل در ایام مختلف سال و در عرضهای جغرافیایی متفاوت است ولی با قید و شرط ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) در وسط السماء، برج و منزل طالع در طول سال و در مناطق مختلف اشتراکاتی پیدا می کنند.

۱- در هر روز؛ در يك طول جغرافیایی؛ لحظه وسط السماء بودن ستاره حاجت یاب در آن یکسان است، ولی منزل و برج طالع آنها به نسبت عرضهای جغرافیایشان متفاوت می شود.

۲- در هر بلد وقتی ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) وسط السماء است ستارگان هر منزلی که طالع باشد (منزلی که از افق مشرق در حال طلوع باشد) در هر روز سال نیز همان منزل در هنگام کف الخضیب وسط السماء طالع است. مثلاً در مکه مکرمه و ایران و بلاد اسلامی در وقت وسط السماء بودن کف الخضیب، همیشه برج سرطان و منزل سعد نثره طالع است، فلذا منجمین مسلمان نیز در احکامشان برای استجاب دعا؛ طبق افق محلی؛ شرایطی برای طالع بودن منزل نثره در هنگام دعا در وقت کف الخضیب ذکر کرده اند. ولی برای عرضهای جغرافیایی دور در این هنگام منزل نثره طالع نیست.

۳- وقتی ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) وسط السماء است در بلاد به نسبت عرضهای جغرافیایشان؛ از لحاظ برج و منزل طالع اشتراکاتی دارند. مثلاً محدوده مناطق معتدله که در هنگام ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) وسط السماء ستارگان **منزل سعد نثره** (مناسب برای استجاب دعا) در آنها طالع است در تصویر زیر نشان داده شده است؛ مناطق سایه خورده بین عرض

جغرافیای ۴۲° + درجه (شمالی) تا ۳- درجه (جنوبی)، مرز شمالی از شمال چین و ترکیه و جنوب اروپا و شمال آمریکا و مرز جنوبی این محدوده در اندونزی تا کنیا و شمال برزیل.

در هنگام **وسط السماء بودن ستاره حاجت یاب (کف الخضیب)** در طول سال:

۱- در مناطق شمالی بالای ۴۲° درجه؛ **برج نجمی سرطان و ستارگان منزل طرف** طالع است.

۲- در مناطق بین ۴۲° + شمالی تا ۳- جنوبی؛ **برج نجمی سرطان و ستارگان منزل سعد نثره** (مناسب برای استجابت دعا) طالع است.

۳- در مناطق جنوبی عرض ۳- تا ۳۴- درجه؛ **برج نجمی جوزا و ستارگان منزل سعد ذراع** (مناسب برای استجابت دعا) طالع است.

۴- در مناطق جنوبی ۳۴- تا ۵۰- درجه؛ **برج نجمی جوزا و منزل هنعه** طالع است.

۵- در مناطق جنوبی عرضهای کمتر از ۵۰- درجه **منزل هقعه** طالع است.

برج و منزل طالع در هنگام کف الخضیب وسط السماء در طول سال



موقعیت سماوی ستاره حاجت یاب (کف الخشب) درجه ۵ برج حمل نجومی

که در سال ۱۴۳۵ هـ ق و ۱۳۹۳ م. هـ ش و ۲۰۱۴ م. م معادل درجه ۶ برج ثور فلکی اعتدالی است

❖ بطور اصولی و طبق قاعده اساسی علم نجوم کهن و اسلامی؛ مختصات سماوی کواکب و نجوم را نسبت به ثوابت (ستارگان) و صور فلکی بیان می نمایند، بدین صورت که هر ستاره یا کوكب در کدام صورت فلکی و در چند درجه از صورت های فلکی ۱۲ گانه بر دایرة البروج واقع است.

❖ با اینکه اندازه صور فلکی و درجات آن بر دایرة البروج متفاوت بوده، اما در علم نجوم مقدار اختصاصی هر صورت فلکی از دایرة البروج مساوی و تنها ۳۰ درجه می باشد. دوازده برج حاصله از این تقسیم به بروج نجومی معروف است.

❖ در قرون بسیار گذشته که نقطه اعتدال بهاری در اول صورت فلکی حمل بوده و بروج فلکی هم مطابق بروج نجومی بود؛ برخی از منجمین مختصات سماوی کواکب و نجوم را بر اساس اعتدال ربیعی و بدایت بروج فلکی و درجات آن می دادند، اما از آنجا که نقطه اعتدال بهاری (بدایت بروج فلکی) بخاطر حرکت تقدیمی کره زمین؛ هر ۷۲ سال يك درجه به سمت قهقرا و عکس ترتیب صورتهای فلکی جابجا می شود؛ پس هر موقعیت سماوی که بر اساس بروج فلکی ارائه شود؛ نسبت به واقعیت سماوی نجوم ثوابت و صور فلکی تدریجا تغییر می کند، بطوری که در زمان ما میان بروج نجومی (مثلا حمل نجومی) و بروج فلکی (مثلا حمل فلکی) بیشتر از مقدار يك برج (۳۰ درجه) تفاوت می باشد، از این رو دیگر نمی توان همان موقعیت ذکر شده (در کتب قدما) به درجات فلکی (نسبت به نقطه اعتدال ربیعی و بروج فلکی اعتدالی) برای يك ستاره در گذشته

را؛ در سالهای بعد (چه برسد قرون بعد) موقعیت واقعی (درجه نجمی) آن ستاره دانست، مگر اینکه تفاوت سالانه دور شدن آن (نقطه اعتدال و بدایت بروج فلکی از بدایت صور فلکی) را بر حسب هر زمان لحاظ کرد.

❖ عدم توجه به این نکته مهم؛ باعث شده که در برخی منابع نجومی (میانی) در نقل موقعیت ستاره کف الخضیب از قدما؛ نشانی به درجات بروج فلکی و نسبت به نقطه اعتدال بهاری را همان نشانی آن به درجات بروج نجمی تلقی کرده؛ و مقدار جابجایی حرکت تقدیمی و فاصله گرفتن درجات بروج فلکی از بروج نجمی را در نظر نگرفته؛ و دچار اشتباه شده؛ و درجات مربوط به قرون گذشته را به عنوان مختصات آن ستاره و درجه کف الخضیب در هر زمان نقل کرده، و احکام نجومی مربوطه را در تعبیر و تفسیر غیر دقیق و بلکه غیر صحیح نمایند.

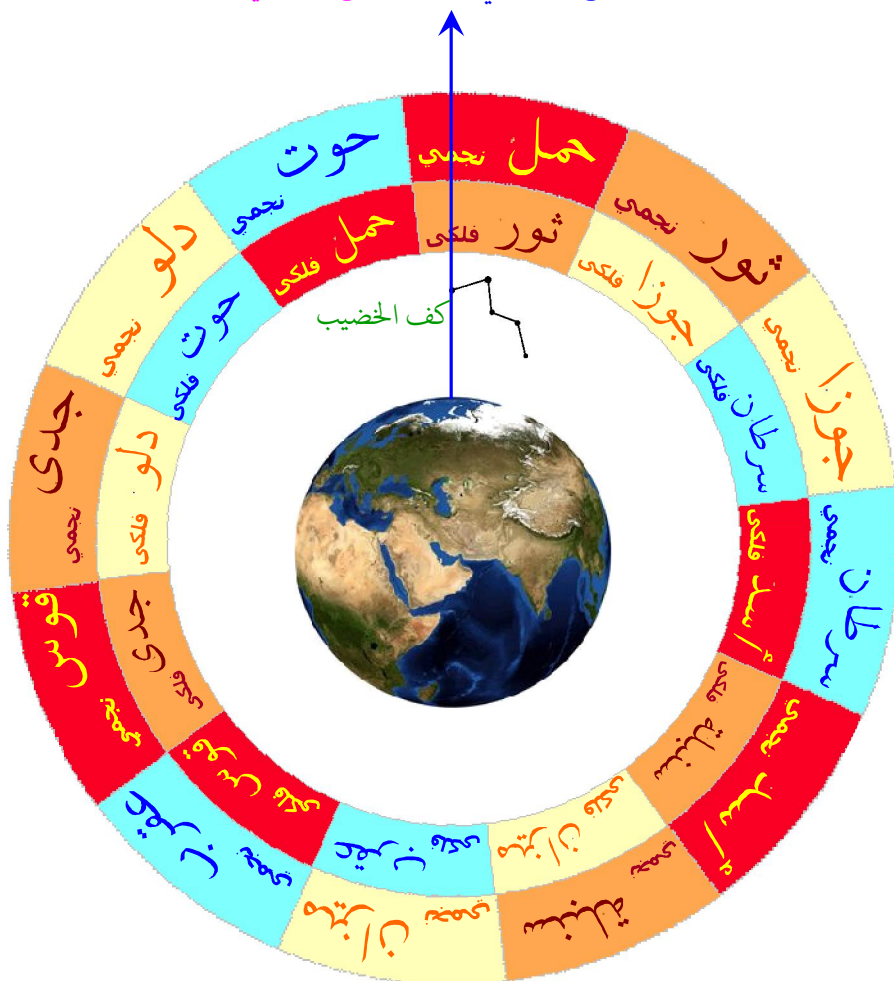
❖ از آنجا که مختصات نجوم ثوابت (از جمله صور فلکی) نسبت به بروج نجمی و صور فلکی دوازده گانه همیشه ثابت است، ما ابتدا نشانی ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) را به درجات بروج نجمی بیان می کنیم، که در پنجمین درجه برج نجمی یا صورت فلکی حمل است. و برای بیان معادل درجه فلکی آن می گوئیم: از آنجا که امروزه نقطه اعتدال بهاری و بدایت بروج فلکی نسبت به بدایت بروج نجمی (اول صورت فلکی حمل و منزل شرطان) ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه فاصله پیدا کرده است؛ فلذا اکنون (سال ۱۴۳۵ هـ و ۱۳۹۳ هـ ش و ۲۰۱۴ م.) موقعیت این ستاره (پنجمین درجه برج نجمی و صورت حمل) معادل درجه ششم برج فلکی اعتدالی ثور می باشد. در تصاویر بعدی موقعیت سماوی ستاره حاجت یاب در بروج فلکی و نجمی نشان داده شده است.

تذکر مهم: اصطلاح "صورت فلکی" با "برج فلکی" متفاوت بوده با هم اشتباه نشود.

موقعیت سماوی ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) در برج ۵ برج حمل نجمی

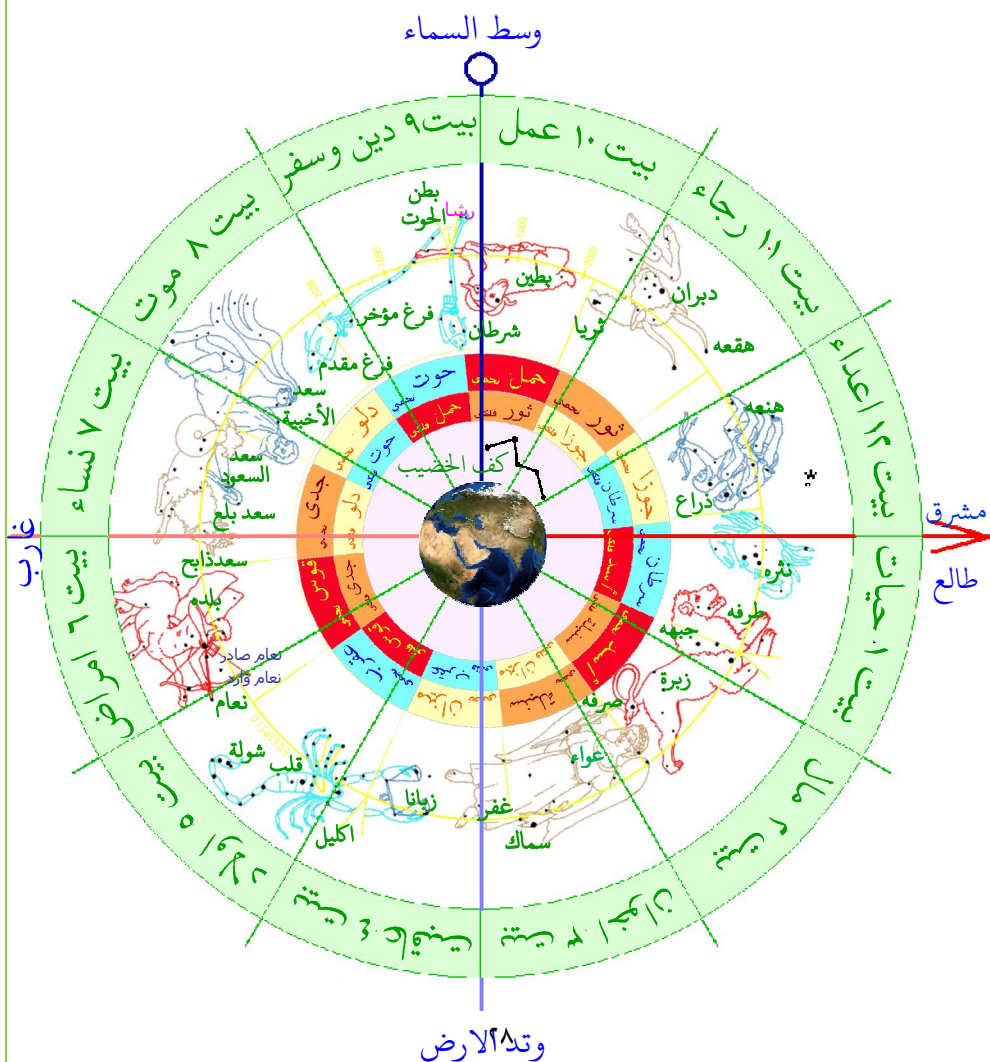
که در سال ۱۴۳۵ هـ ق و ۱۳۹۳ هـ ش و ۲۰۱۴ م م معادل درجه ۶ برج ثور فلکی اعتدالی است

درجه ۵ برج حمل نجمی و درجه ۶ برج ثور فلکی اعتدالی



وقتی ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) وسط السماء است

در بلاد اسلامی و عرض (۳-) جنوبی تا (۴۲+) شمالی
 برج نحی سرطان و ستارگان منزل **سعد ثره** (مناسب برای استجابت دعا) **طالع** است



امتیازات هیئت فلکی و طالع هنگام کف الخضیب در وسط السماء

❖ هنگام کف الخضیب در وسط السماء؛ شرایط فلکی دیگر استجاب دعا نیز با این وقت قرین و فراهم است:

۱- **برج طالع مستقیم الطلوع:** طالع برج سرطان و از بروج مستقیم الطلوع است (از بروج سرطان تا قوس) و چون طالع برج مستقیم الطلوع باشد آن کار بر مراد به اتمام رسد. در این هنگام از عرض جغرافیایی ۳- جنوبی تا مناطق شمالی سرطان طالع است.

۲- **حظّ سعود در طالع (برج طالع شرف مشتری):** طالع برج سرطان و شرف مشتری است و از شرایط برج طالع این است که سعود (مشتری و زهره) در طالع حظّی تمام داشته باشند چنانچه طالع بیت یا شرف یا حد ایشان بود. سرطان شرف مشتری می باشد و در این هنگام از عرض جغرافیایی ۳- جنوبی تا مناطق شمالی سرطان طالع است.

۳- **منزل طالع منزل سعد برای دعاء:** در رعایت تناسب طالع با موضوع حاجت (استجاب دعا) در هنگام کف الخضیب وسط السماء از عرض ۴۳- تا ۳- جنوبی منزل سعد ذراع طالع است، و از عرض ۳- تا ۴۲+ درجه، ستارگان منزل سعد نثره طالع است (از افق شرقی در حال طلوعند) که منازل سعدی برای دعا هستند.

❖ از آنجا که برای حصول شرایط مقدمات دعا (انقطاع و تضرع)؛ دعا کننده قبل از لحظه کف الخضیب باید آماده شود، بهتر آن است که از شروع شرایط سعد فلکی در دعاء؛ تضرع و خشوع را آغاز نماید، که از طلوع ستارگان منزل

سعد نثره براي دعاست (که در ۷ درجه برج نجمي سرطان واقعست) و در لحظه رسیدن کف الخضيب به وسط السماء؛ خواسته و تمناي خود را بگويد، و دعاء را تا قبل از طلوع اولين ستاره منزل محذور براي دعاء (طرفة در ۱۶ درجه برج نجمي سرطان) ادامه دهد، اما در وقت طلوع منزل محذور (طرفة) از دعاء براي حاجت خاصي اجتناب نمايد، ولی دعاء به معني خواندن خداوند و مناجات با او منعي ندارد.)، شرح منازل سعد و محذور دعا در فصول قبل آمد.

۳- **نظر صاحب طالع به قمر:** از شرايط صلاح حال صاحب طالع اين است که صاحب طالع به قمر ناظر باشد، در هنگام کف الخضيب وسط السماء در عرضهاي ۳- تا ۴۲+ برج طالع سرطان و صاحبش قمر است و صاحب طالع و قمر يکي هستند و اين شرط برقرار است.

۴- **سعادت صاحب طالع با رعايت شرايط اوليه اختيار:** با رعايت شرايط اوليه استجابت دعاء (قمر قوي حال و متصل به سعود) در هنگام کف الخضيب وسط السماء در عرضهاي (۳- تا ۴۲+) شرايط ديگر استجابت دعا و قوت طالع (صاحب طالع قمر متصل به سعود و قوي حال) نيز حاصل مي شود.



پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تخیم - علوم طب جامع - علوم پاکزستی

آموزش برتر (اعلی) - علوم برتر (اعلی) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیة

۱۴۳۵

www.Aelaa.net

tanjim@aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین